**پیغام پر از قدرت و پر از رحمتِ رومیان ۱-‏۸**

پولس به کلیسای روم نامه می‌نویسد، تا برای خدمتش در اسپانیا، پشتیبانی آنها را خواستار شده، و از یاری‌شان برخوردار گردد. او در رسالۀ رومیان ۱۵:‏۲۴ می‌نویسد: «هرگاه به اسپانیا سفر کنم، به نزد شما خواهم آمد، زیرا امیدوار هستم که شما را در عبور، ملاقات کنم؛ و شما مرا به آن سوی مشایعت نمایید.» او هیچ‌گاه به روم نرفته بود؛ و بیشترِ آن مسیحیان را هرگز ندیده بود. از این‌رو، در این شانزده فصل، انجیلش را به ایشان عرضه می‌دارد.

آه! کاش که همۀ مبشرانِ ما با کتاب رومیان آشنا باشند و آن را موعظه کنند؛ و کاش ما که مبشران را می‌فرستیم، با کتاب رومیان آشنا بوده و آن را زندگی کنیم، تا ما نیز آنها را به همان شکلی بفرستیم که پولس می‌خواست از روم به اسپانیا فرستاده شود و از پشتیبانی برخوردار گردد. پیغام پر از قدرت و پر از رحمتِ این کتاب، باید که ثروتمندان آمریکا را به حدی قانع سازد، که گویی در دوران جنگ به سر برده، و خود را با آن سبک زندگی تطبیق داده، تا همان قناعت باعث شود که به خاطر انجیل، داراییهای خود را روان سازند؛ همان‌طور که وقتی پیغام پر از قدرت و پر از رحمتِ این کتاب، از دهان مبشرانی که در رنج و سختی هستند، جاری می‌شود، قدرتهای تاریکی را خواهد شکست؛ و در ظلمانی‌ترین مکانها، کلیسای مسیح را بنا می‌سازد.

**جنبۀ جهانیِ این رساله، که بیش از یک فرهنگ را مخاطب قرار می‌دهد**

پس تعجب‌آور نیست که وقتی این رساله را می‌خوانید، از همان ابتدا، نکته‌ای را در آن می‌بینید که به جهانی بودنِ این رساله اشاره دارد؛ و بیش از یک فرهنگ را مخاطب قرار داده است. پولس در رومیان ۱:‏۵، هدف رسالتش را برای ما توضیح می‌دهد: «فیض و رسالت را یافتیم، برای اطاعت ایمان، در جمیع امتها به خاطر اسم او.» پولس به همین دلیل موعظه می‌کند؛ به همین دلیل به اسپانیا می‌رود؛ و به همین دلیل، این رساله را می‌نویسد: تا «جمیع امتها!»، به عیسی مسیح ایمان آورند؛ و اطاعتی را به‌جا آورند که ثمرۀ آن ایمان است. رسالۀ رومیان، دربارۀ امتهاست؛ یعنی مردمی که هنوز به مسیح ایمان ندارند؛ کسانی که عادل شمرده نشده، و هنوز تقدیس نگشته‌اند؛ و از این‌رو، اگر پیغام انجیل را نشوند، جلال نخواهند یافت.

سپس در آیۀ ۱۴، او دوباره از تعهدِ رسالتش به ما می‌گوید: «زیرا که یونانیان و بَرْبِریان، و حکما و جهلا را هم مدیونم.» و مبادا که فکر کنیم یهودیان را از قلم انداخته است. او در آیۀ ۱۶ می‌گوید: «از انجیل مسیح عار ندارم، چون که قوت خداست، برای نجات هر کس که ایمان آورد؛ اول یهود، و پس یونانی.» یهودیان، یونانیان، بَرْبِریان، حکیمان، و جاهلان! به عبارت دیگر، پیغام پر از قدرت و پر از رحمتِ کتاب رومیان، فرق گذاشتن میان امتها و فرهنگها، و تمایز در میزان تحصیلات را در هم می‌شکند.

در زمانۀ ما، که پذیرش عقاید مختلف، و بها دادن به آن بر جامعه مستولی است، زمانه‌ای که از این نظر به قرن اول؛ یعنی قرنی که کلیسای مسیح به سرعت گسترش می‌یافت، شباهتهای فراوانی دارد، از بین بردن تمایزها، امری مهم و حیاتی است. مسیحیت، مذهبی قبیله‌ای نیست، بلکه هر قبیله و زبان و ملت و امتی را به ایمان و وفاداری فرا می‌خواند. عیسی، خدایی در میان خدایان نیست. او خداوندِ خداوندان، و شاه شاهان است؛ و نامی دیگر زیر آسمان وجود ندارد، که انسانها بدان نجات یابند. پیغام پر از قدرت و پر از رحمتِ رومیان، یک راه نجات از میان بسیاری دیگر نیست؛ بلکه یگانه راهِ نجات است، زیرا عیسی مسیح، یگانه پسر خدا، و یگانه منجی است.

در خصوص این ادعا، همواره بحث و مشاجره وجود داشته است؛ و به طور خاص، امروزه در کشور آمریکا نیز چنین است، حتی در میان کسانی که خود را مسیحی می‌دانند؛ و البته در میان مسلمانان و یهودیان نیز. روزنامۀ «اِستار تِریبون»، در شمارۀ جمعۀ خود، مقاله‌ای را به چاپ رسانده بود، که ضرورت ایمان به مسیح را در آن رد کرده بود. هیئتی مشترک از اسقفان کاتولیک، و معلمان شریعت یهود، بیانیه‌ای ارائه داده بودند که «تأمل و بازنگری بر عهد و پیمان، و خدمت بشارت» نام داشت. به گفتۀ نویسندۀ مقاله، نکتۀ اصلی این است: «تلاش و تکاپو برای بشارت به یهودیان، از نظر الهیاتی دیگر پذیرفتنی نیست . . . چرا که یهودیان از قبل، در عهد و پیمانِ خدا جای دارند» (جمعه، ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۲، صفحۀ ۲۳). به بیان دیگر، برای یهودیانی که مسیح را رد می‌کنند، یک راه نجات وجود دارد؛ و برای مسیحیانی که مسیح را می‌پذیرند، راه نجات دیگری.

این موجب دلشکستگی است که اسقفان مسیحی، در پرتوی سخنان عیسی، چنین گفتار نادرستی را بر زبان آورند؛ چرا که عیسی فرمود: «آن که به پسر ایمان آورده باشد، حیات جاودانی دارد؛ و آن که به پسر ایمان نیاورد، حیات را نخواهد دید، بلکه غضب خدا بر او می‌ماند» (یوحنا ۳:‏۳۶). از این‌رو، عیسی در خصوص غیر یهودیانی که او را می‌پذیرند؛ و یهودیانی که او را رد می‌کنند، چنین فرمود: «بسا [غیر یهودیان] از مشرق و مغرب آمده، در ملکوت آسمان، با ابراهیم و اسحاق و یعقوب خواهند نشست، اما پسران ملکوت [یهودیانی که او را رد کنند] بیرون افکنده خواهند شد، در ظلمت خارجی، جایی که گریه و فشار دندان باشد» (متی ۸:‏۱۱-‏۱۲).

پس این نکته‌ای کاملاً حیاتی است که متوجه شویم پیغام پر از قدرت و پر از رحمتِ رومیان، ادعایی جهانی است. ما در اینجا با عقاید انسانی، یا فلسفۀ انسانی، یا برنامۀ خوداصلاحی، یا مذهبی قبیله‌ای، یا امری کوته‌بینانه و محدود سر و کار نداریم. ما با این خبر واقعی رو‌به‌روییم، که آن یگانه خدا، به شکلی بی‌نظیر، در تاریخ عمل نموده، تا با فرستادن پسر یگانه‌اش، که برای گناهکاران جان داد و دوباره از مردگان برخاست، انسانها را نجات بخشد. رد کردن این خبر، هلاکت است و بس.

**جانِ کلامِ این رساله: رومیان ۱:‏۱۶-‏۱۷**

پولس در رومیان ۱:‏۱۶-‏۱۷، به نکتۀ اصلی‌اش اشاره می‌کند؛ و سپس در بقیۀ رساله، به توضیح و کاربرد آن می‌پردازد. «از انجیل مسیح عار ندارم، چون که قوت خداست، برای نجات هر کس که ایمان آورد؛ اول یهود، و پس یونانی؛ که در آن، عدالت خدا مکشوف می‌شود، از ایمان تا ایمان، چنان که مکتوب است که عادل به ایمان زیست خواهد نمود.» نخست اینکه، پولس می‌گوید که پیغامش؛ یعنی انجیلش، آن‌قدر پر از قدرت و پر از رحمت است، که نجات می‌بخشد: قوت خداست برای نجات؛ و این نجات، از طریق ایمان حاصل می‌شود. با ایمان به عیسی مسیح است که قدرت انجیل، به جان ما نفوذ کرده، و نجات می‌بخشد.

سپس در آیۀ ۱۷، توضیح می‌دهد که چرا انجیل از این قدرت برخوردار است: «که در آن، عدالت خدا مکشوف می‌شود.» انجیل، قدرت دارد تا آنانی را که به مسیح اعتماد می‌کنند، نجات بخشد، زیرا که انجیل، عدالت خدا را مکشوف می‌سازد. منظور چیست؟

رومیان ۱:‏۱۸-‏۳:‏۲۰: **چرا همۀ ما باید نجات یابیم**

پولس پیش از آنکه منظورش را توضیح دهد، به رومیان ۱:‏۱۸-‏۳:‏۱۹ می‌پردازد، تا نشان دهد که چرا همۀ ما باید نجات یابیم. شما چکیدۀ پاسخ او به این پرسش را در رومیان ۳:‏۹ می‌یابید: «پیش، ادعا وارد آوردیم که یهود و یونانیان، هر دو به گناه گرفتارند.» و آیۀ ۱۹: «هر دهانی بسته شود؛ و تمام عالم، زیر قصاص خدا آیند.» پس همۀ ما گناهکاریم؛ و همۀ ما زیر غضب خداییم (۱:‏۱۸). ما هیچ عدالتی نداریم، که برایمان به نزد خدا امتیاز، یا مزیتی به حساب آید. آیۀ ۳:‏۲۰ نیز این را روشن می‌سازد که ما هرگز نمی‌توانیم خودمان را نجات داده، عادل بشماریم: «به اعمال شریعت، هیچ بشری در حضور او عادل شمرده نخواهد شد.» ما گناهکاریم. ما زیر غضب عادلانه و قدوس خدا قرار داریم؛ و نمی‌توانیم با اعمالمان خود را نجات داده، یا عادل شماریم.

رومیان ۳:‏۲۱-‏۳۱: **مکاشفۀ عدالت خدا به وسیلۀ ایمان به عیسی؛ و ماحصلِ آن**

اکنون پولس به نکتۀ اصلی‌اش در رومیان ۱:‏۱۶-‏۱۷ بازمی‌گردد؛ و توضیح می‌دهد منظور چیست که «انجیل، قدرت خداست، که ایمانداران را نجات می‌دهد، زیرا به ایمان، عدالت خدا را آشکار می‌سازد.» او در آیات ۲۱-‏۲۲ می‌گوید: «لکن الحال بدون شریعت، عدالت خدا ظاهر شده است [او در اینجا به مکشوف شدنِ عدالت خدا که در آیۀ ۱۷ عنوان شده، اشاره می‌کند]، چنان که تورات و انبیا بر آن شهادت می‌دهند؛ یعنی عدالت خدا، که به وسیلۀ ایمان به عیسی مسیح است، به همه، و کل آنانی که ایمان آورند».

پس آن مکشوف شدنِ عدالت خدا، که قدرتِ انجیل است تا ایمانداران را نجات دهد، چه می‌باشد؟ آن مکشوف شدن، نشان دادنِ عدالت خدا «به وسیلۀ ایمان به عیسی است.» این عدالت خداست که از طریق ایمان، چون هدیه‌ای به ما، مکشوف گشته است؛ و این چیزی است که آن را عادل‌شمردگی می‌نامیم. بنابراین، پولس در آیۀ ۲۴، چنین می‌گوید که گناهکارانی که به مسیح اعتماد می‌کنند، «به فیض او مجاناً عادل شمرده می‌شوند، به وساطت آن فدیه‌ای که در عیسی مسیح است.» مکاشفۀ عدالتِ خدا؛ که همانا انجیل است؛ و قدرت خداست برای نجات، نشان دادنِ عدالت خدا در عمل است، عدالتی که چون هدیه، به گناهکارانی که به مسیح اعتماد می‌کنند، ارزانی می‌شود.

و رومیان ۳:‏۲۵، توضیح می‌دهد که چگونه خدا می‌تواند گناهکاران را عادل شمارد و خود عادل بماند: «خدا او [مسیح] را از قبل معین کرد، تا کفاره باشد به واسطۀ ایمان، به وسیلۀ خون او، تا آنکه عدالتِ خود را ظاهر سازد، به سبب فرو گذاشتنِ خطایای سابق، در حین تحمل خدا.» به عبارت دیگر، خدا چنین مقرر نمود که پسرش به جای ما بمیرد، تا که لعنت و غضب پدر، بر او قرار گیرد، نه بر آنانی که ایمان می‌آورند. خدا به این شکل، نشان می‌دهد که از گناه بیزار بوده، و عدالتش، به گناه رسیدگی کرده است. پس اکنون، چنان که آیۀ ۲۶ می‌فرماید، او می‌تواند «عادل شود؛ و عادل شمارد هر کسی را که به عیسی ایمان آورد».

از این‌رو، مرگ مسیحْ زیربنای عادل‌شمردگیِ ماست. اگر به عیسی ایمان آوریم، خدا به خاطر عیسی، ما را عادل به حساب می‌آورد؛ و ما عادل به چشم آمده، و همچون یک عادل با ما رفتار می‌شود. این یعنی عادل‌شمردگی. پولس در آیۀ ۲۸، روشن می‌سازد که با به‌جای آوردن اعمال، نمی‌توان وضعیت خود را در حضور خدا اصلاح نمود، بلکه این مهم، تنها با ایمان میسّر است: «زیرا یقین می‌دانیم که انسان بدون اعمال شریعت، محض ایمان، عادل شمرده می‌شود».

و درست در همین نقطه، از این غافل نمانید که عادل‌شمردگی، ماحصلی جهانی و بشارتی داشته، و به یک فرهنگ، منحصر نمی‌باشد. پولسْ خود در آیات ۲۹-‏۳۰ می‌نویسد: «آیا او خدای یهود است فقط؟ مگر خدای امتها [غیر یهودیان] هم نیست؟ البته خدای امتها نیز است. زیرا واحد است خدایی که اهل ختنه را از ایمان، و نامختونان را به ایمان، عادل خواهد شمرد.» عادل شمرده شدن به وسیلۀ ایمان به مسیح، آن پیغام پر از قدرت و پر از رحمت و جهانی است که ما با همۀ امتها، و با هر دسته و گروه، و با همۀ مردمی که ملاقات کنیم، در میان می‌گذاریم. تنها یک منجی، یک صلیب، یک رستاخیز، و یک راه وجود دارد که بتوان رابطه با آن یگانه خدا را اصلاح نمود: با ایمان به مسیح است که عدالت خدا به ما نسبت داده می‌شود، نه با به‌جای آوردن اعمال.

**رومیان ۴: عادل شمرده شدنِ ابراهیم به وسیلۀ ایمان، نه با اعمال**

پولس در فصل ۴، ابراهیم را نمونه می‌آورد، تا با دلیل و برهان نشان دهد که با ایمان، و جدا از اعمال می‌توان عادل شمرده شد: «ابراهیم به خدا ایمان آورد؛ و آن برای او عدالت محسوب شد» (آیۀ ۳). یکی از ارزشمندترین آیات این کتاب، بر نمونۀ ابراهیم پایه‌گذاری شده است (آیۀ ۵): «و اما کسی که عمل نکند، بلکه ایمان آورد به او که بی‌دینان را عادل می‌شمارد، ایمان او عدالت محسوب می‌شود.» ایمان است که عادل می‌شمارد، نه اعمال؛ و بی‌خدایانند که عادل شمرده می‌شوند، نه باخدایان. خبر خوش در واقع این است؛ و این پیغام پر از قدرت و پر از رحمتِ رسالۀ رومیان است.

**رومیان ۵: امید و امنیت، در مواجه با رنج و درد مرگ**

پولس در آیۀ ۱ از فصل ۵، این‌گونه خلاصه می‌کند که «پس چون که به ایمان، عادل شمرده شدیم، نزد خدا سلامتی داریم، به وساطت خداوندِ ما عیسی مسیح.» او سپس واقعیت رنج و مرگ برای عادل‌شمردگان را تشریح می‌سازد؛ و پیشاپیش، به رنج و دردی می‌پردازد که در فصل ۸، به شدت بر آن تأکید شده است. آیۀ ۳ به ما می‌گوید که چرا می‌توانیم در مصیبتها شاد باشیم؛ ما می‌توانیم در مصیبتها شادی نماییم، چرا که مصیبتها، صبر و تأیید و امید به بار می‌آورند.

پولس با در نظر داشتن این رنج و مصیبت، همان استدلالی را ارائه می‌دهد که در فصل ۸ به کار برده، استدلالی که از مقوله‌ای بزرگ به مقوله‌ای کوچک‌تر می‌پردازد. اگر خدا قادر است کار دشواری انجام دهد، می‌تواند کار آسانی را هم انجام دهد. به یاد آورید که رومیان ۸:‏۳۲ چه می‌فرماید: «او که پسر خود را دریغ نداشت، بلکه او را در راهِ جمیع ما تسلیم نمود [کار دشوار]، چگونه با وی، همه‌چیز را به ما نخواهد بخشید [کار آسان]؟» پولس در رومیان ۵:‏۹ نیز دقیقاً به همین شکل استدلال می‌کند: «پس چقدر بیشتر، الان که به خون او عادل شمرده شدیم [کار دشوار]، به وسیلۀ او از غضب، نجات خواهیم یافت [و کار آسان].» و به همین شیوه نیز در آیۀ ۱۰: «زیرا اگر در حالتی که دشمن بودیم، به وساطت مرگ پسرش، با خدا صلح داده شدیم [کار دشوار]، پس چقدر بیشتر، بعد از صلح یافتن، به وساطت حیاتِ او نجات خواهیم یافت [کار آسان]».

همان‌طور که در رومیان فصل ۸ می‌بینیم، نکته، آن امید و امنیتی است که ما در رویارویی با رنج و مرگ از آن برخورداریم. مسیحیت به طور کلی با رنج و مصیبت همراه است. «با مصیبتهای بسیار، می‌باید داخل ملکوت خدا گردیم» (اعمال رسولان ۱۴:‏۲۲). همیشه به یاد داشته باشید که پیغام پر از قدرت و پر از رحمتِ رومیان، با این دیدگاه نوشته شده که رنج و سختی در پیش روست.

مرگ در تمام فرهنگها، واقعیتی ناگزیر است. اگر خبر خوشی دارید که نجات را نوید می‌دهد، باید که آن خبرِ خوش، دربارۀ مرگ توضیحی داشته باشد؛ و در رویارویی با آن، موجب امیدواری گردد. پولس در رومیان ۵:‏۱۲-‏۲۱، در پیِ همین نکته است؛ و در مقایسۀ آدم که نااطاعتی‌اش، گناه و مرگ به بار آورد، با مسیح، که اطاعتش، عدالت و حیات به بار آورد، به نکتۀ مورد نظرش می‌پردازد. آیۀ ۱۹، این تضاد را به شفافی بیان می‌کند: «زیرا به همین قِسمی که از نافرمانیِ یک شخص [آدم]، بسیاری گناهکار شدند، همچنین نیز به اطاعتِ یک شخص [مسیح]، بسیاری عادل خواهند گردید.» گناه و محکومیتِ آدم، به ما نسبت داده شد، زیرا ما با تولدمان، با او یکی می‌شویم، همان‌طور که اطاعت مسیح، و تبرئه بودنِ او، به ما نسبت داده شد، چرا که ما به واسطۀ ایمان، با او یکی می‌شویم.

سپس در آیۀ ۲۱، پولس پیروزیِ فیض به واسطۀ مسیح را به اختصار بیان می‌کند: «تا آنکه چنان که گناه، در موت سلطنت کرد، همچنین فیض نیز سلطنت نماید به عدالت، برای حیات جاودانی، به وساطت خداوندِ ما عیسی مسیح».

**رومیان ۶: اتحاد با مسیح؛ یعنی مردن به گناه، و رهایی از بردگی**

در اینجا مشکلی وجود دارد، که باید برطرف گردد: اگر ما واقعاً تنها با ایمان عادل شمرده می‌شویم؛ و جایی که گناه، زیاده می‌گردد، فیض، بی‌نهایت افزون می‌گردد، پس چرا گناه نکنیم، تا فیض، افزون گردد؟ پولس در فصل ۶، این پرسش را پاسخ داده، و تعلیم می‌دهد که ایمان، به شکلی واقعی، ما را با مسیح متحد می‌سازد؛ و ما در واقع، با او به گناه می‌میریم؛ و از بردگی‌اش آزاد می‌گردیم (۶:۶، ۱۷-‏۱۸). همۀ کسانی که عادل شمرده می‌شوند، تقدیس هم می‌گردند.

**رومیان ۷: به شریعت مردیم، تا به دیگری پیوندیم**

سپس در فصل ۷، پولس نشان می‌دهد که صرفاً آشنایی با نگاه داشتنِ شریعت نیست که ما را تقدیس می‌سازد؛ یا به شباهت عیسی درمی‌آورد. خیر. «شما نیز به وساطت جسد مسیح، برای شریعت مرده شدید، تا خود را به دیگری پیوندید؛ یعنی با او که از مردگان برخاست، تا به جهت خدا ثمر آوریم . . . چون برای آن چیزی که در آن بسته بودیم، مردیم، از شریعت آزاد شدیم، به حدی که در تازگیِ روحْ بندگی می‌کنیم، نه در کهنگیِ حرف» (۷:‏۴، ۶).

زندگی مسیحی، زیستن در هدیه‌ای رایگان است؛ و با جدیت و کوشایی، در پیِ رابطه با عیسی مسیح بودن. «تا به دیگری پیوندیم!» (۷:‏۴). عیسی مسیح، قوت و رحمت و الگو و حکم زندگیِ مسیحی است.

**رومیان ۸: هیچ‌چیز نمی‌تواند ما را از محبت مسیح جدا سازد**

در هفته‌های اخیر به مطالبی پرداخته‌ایم که اکنون در خاتمۀ آنها به فصل ۸؛ این فصل عالی می‌رسیم. کیست که ما را از محبت مسیح جدا سازد (آیۀ ۳۵)؟ آیا ارتباط این آیه را با رومیان ۷:‏۴ متوجه می‌شوید؟ به شریعت مرده شدیم، تا خود را به دیگری پیوندیم؛ یعنی به او که از مردگان برخیزانیده شد؛ یعنی به عیسی مسیح. کلید حیات، و کلید مردن این است. پس کیست که ما را از محبت مسیح جدا سازد؟ پاسخ: هیچ‌چیز. کیست که ما را از محبت خدا در مسیح جدا سازد؟ پاسخ: هیچ‌چیز.

«پس خواه زنده باشیم، خواه بمیریم، از آنِ خداوندیم. زیرا برای همین، مسیح مرد و زنده گشت، تا بر زندگان و مردگان سلطنت کند» (رومیان ۱۴:‏۸-‏۹). تحت خداوندیِ او زیست کنید و تحت خداوندیِ او بمیرید؛ و همواره محبت استوارِ خدا در مسیح را بسرایید.